

آمریکاییات^۱

(Americaniyyad)

وحشی

به حقّ حقّ، حقیقت حقّ وحشی ست، اهلی کردن کار او، باز آوردن وحشی کار ما!

وحشی با تعلیم اهلی شد، عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ

با قلم و با بیان تعلیم داده شد، عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، عَلَّمَهُ الْبَيَانَ

وحشی کودک، آموزش، پرورش، رام دانشمند

دام یله، انسان در دام

قانون بر قانون، شرع در شرع، بند بند، رام رام، دام دام

اهلی شدن کار او، وحشی او، اهلی او، او او، هو هو، کوی کوی او او

قاقا، قی قی، قوقو، هاهاه، هی هی، هو هو

hey, hey, ho, ho, ...; hey, hey, ho, ho, ...; hey, hey, ho, ho, ...

وحشی لال: وحشی زبان نن، وحشی خواندن نن، وحشی نوشتن نن، وحشی بیان نن

وحشی امی: ماما، ماما، ماما!

وحشی تاویل نمی شود، تفسیر ندارد، اصلا سخن نگویید

در اهلی توحش می کارده، اهلی تفسیرش کند تا دامش کند، رامش کند، باز خوارش کند

کجایی ماما، کجایی ماما، کجایی ماما ؟؟؟؟؟؟؟؟؟

من تنه، من تنه، من تنه !!!!!!!!!!!!!

زیر پا، زیر پا، زیر پا، رام رام، رام

yes sir ..., yes ma'am ...; yes sir ..., yes ma'am ...; yes sir ..., yes ma'am ...

ماما، ماما، ماما: اهلی شدم، رام شدم، خوار شدم،

زیر پا، زیر پا، زیر پا، له شدم، له شدم، له شدم،

^۱ - کلیه حقوق این اثر متعلق به نویسنده محترم می باشد، و باز نشر آن تنها با ذکر منبع و متن کامل بلامانع می باشد.

آمد

پس آخرین نفس آمد،

ماما ہمیشہ دیر می آید، دیر دیر دیر می آید

نالہ طفل را می شنود، پای او بسته است، کسی دستش را می کشد، پلیس ها، داروغه ها، گزمنه ها، کماندوها، آبی پوش ها،

سرخ پوش ها، ... پوش ها سپر می شوند، دیوار می شوند، سد می شوند، بین ماما و فرزندش

پدر دست ماما را می‌کشد تا ماماوار، وحشی‌وار، لالابالی‌وار به میدان نرزد

چرا، چرا، چرا؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

ایں است معباً، معباً، معباً!

وین حل معما نه تو دانی و نه من!

بابا این همه، ماما آمد، بی مهابا، بی محابا، یاغی، طاغی، یک و تنها آمد، بر صف زد، در دل آتش آمد

اما پس از مرگ سهراب آمد

کنار قتلگاه آمد، پسر در خون

ماما همیشه دیر آمده است

تا قیامت، دیر می آید

قیامت میں آید

قیامت؟!

کسی، کجا؟!

پس گاہ، ناکجا!

بِهَ حَقِّ حَقٍّ، قِیامتِ خود ماماست، اما اگر بیاید،

$$\tilde{o} \quad \tilde{e} \quad \tilde{a}$$

اگر سیاید!

ماما آمده است، قیامت است، وحشی‌ها را گرد خود آورده است

وَ إِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ

اهلی‌ها هم آمده‌اند

اه، چه پر زور، چه پر رو، چه وقیع

در نقاب، سلیطه‌وار، دست دراز، کزدم زبان

با باتون، با قانون، با کتاب، با پرچم، با درفش، با امنیّت، با شریعت، با مبلغان دینی، با فعالان مدنی، با آزادی‌خواهان،

با انسان دوستان، با ملت‌پرستان، با بت‌پرستان، با خبرنگاران، با آیفون به دستان، با تحلیل‌گران، با تاریخ‌نگاران،

...

با هرچه بسیج شدنی است و در توان

با هر دوز و کلکی

با گریه یا خنده

با بوسه یا سیلی

هر طور که شده باید ماما را اهلی کنند، رام، آرام

ماما رام شدنی نیست، ماما سر تا پا غوغاست، همه آشوب در میانه میدان

زور لغت و عریان، همه را دست بر گریبان

آرامش بخش‌ها گوناگون، فراوان، رایگان،

وحشی‌ها همه آرام آرام سوی دام

وه که چه دردناک است، چه عمیق این زخم!

باز هم ماما تنها

باز کودکش را از آغوش ربودند، این بچه دزدها!

: نلغتمت که مرو!

ماما تنها: کی گفت که او رفت؟ نه فرستادمش، و نه رفت!

او را ربودند، بچه دزدها!

به حقّ حقّ، اهلی کردن کار او!

کودکان، همه، در آغوش وحشی ماما، آرام، رام، اهلی

اهلی کردن کار وحشی!

آه، آه، آه، اگر ناهلان می گذاشتند، حتی یک شب،

هَيَّهَات لَوْ تُرِكَ الْقَطَا لَيَّالًا لَنَامَ

وحشی اهلی ست، آرام، مطمئن از خود، راضی/مرضی

صدها سال است، مرد سفید نا آرام، در این سرزمین، نا مطمئن از خود، در پی خود

سرزمین سرخ را تصرف، خودش را نابود، کودکش را ربود

اما مرد سیاه، نه بود، نه نابود

سیاه بین بود و نابود، زخمی، زیون،

yes sir ..., yes ma'am ...; yes sir ..., yes ma'am ...; yes sir ..., yes ma'am ...

تا کی؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

باز هم مرد سفید نا خشنود، نامطمئن از خود، سر در گم،

مرد سیاه را زانو بر گلو

این زانو از آن کیست؟

بر گلوی کی؟

احق ها نمی دانند،

آگاهان نعل وارونه می زنند،

مرد سفید در این سرزمین نسل سرخ را ریشه کن کرد،

قبوه ایی و گندمی و زرد را به چیزی نمی گیرد،

با مرد سیاه، به عجز افتاده

گیج گیج گیج

من کیستم؟

آن که سیاه نیست!

سیاه کیست؟

همان که من نیست!

من / او، کلاف سر درگم!

نه سرش پیدا، نه تماش

خود باخته در این قمار بودن

مرد سفید پوست آمریکایی

خود آگاه ترین مرد

همه درد، درد آمریکایی بودن، درد هویتی مشترک داشتن

مرد سفید آمریکایی همه بیداری است

اندک می خوابد

رنج همه بیداری است

دردی مشترک، جمعی، کاری، جانگاہ، درمان ناپذیر

تنها در سینه مرد سفید آمریکایی است

ما هیچ وقت ما نشدیم،

نگذاشتند، یا نشدیم

چه فرقی؟!

درد مشترک جمعی نداشتیم، ما نشدیم

با احتیاط می گویم

در سرزمین ما درد همیشه فردی، شخصی بوده است،
برای همین، سیاست، اخلاق، اقتصاد جمعی نداریم،
به حقیقت، جامعه نداریم
انبوهی از مردمان، به دلایلی شناخته یا ناشناخته، گرد هم جمع آمده
اخلاق مان عمدتاً شخصی، سلبی، نفی خود،
اخلاق اجتماعی مان از گلستان و بوستان سعدی فراتر نرفت
فلسفه مان همه انتزاعی و متافیزیکی،
دین مان همه احکام، همه شخصی، حدّ اکثر بین الطرفینی،
از هویت جمعی، خوب یا بد، خبری نیست
خود جمعی نداریم، درد مشترک جمعی هم نداریم،
کسی آمد که همه درد بود، قلبش در فشار، چشمانش همه شب بیدار، می شنید از ما ناله هایی را که ما نمی شنیدیم
شاید هم اصلاً نداشتیم
همه درد شد،
همه را دردمند یافت،
ما را تلقین درد کرد
توهم دردمندی هم دردمندی
ملت شدیم، جمعیت شدیم، غوغا کردیم، شورش کردیم، انقلاب کردیم
درد مشترک جمعی تاریخی نداشتیم،
سیاست، اخلاق، و تفکر اجتماعی تاریخی هم نداشتیم
در آزمایش و خطا شدیم
تلقین گر رفت
درد جمعی هم رفت،

تلقین گران به میدان آمدند،

ما بی درد راحت‌تریم

مرد سفید، بیش از چهار صد سال است، با دردی جمعی، رنجی مشترک زندگی می‌کند

خواب راحت نداشته است،

آب خوش نخورده است

خاطرش پریشان

روحش نا آرام

به هر دری می‌زند، مگر یک در

پذیرفتن مرد سیاه به عنوان لوی خود، نه لولو

مرد سفید از مرد سیاه احساس خطر می‌کند به خاطر اندام درشت، و سینه ستبرش

مرد سیاه هر جا میدان یافته است، خوش درخشیده است، ورزش، هنر، ادبیات، خطابه، ...

مرد سفید ترسیده است، راه را بر مرد سیاه در سیاست و قدرت و ثروت بسته

مرد سفید زن سیاه و کودک سیاه را ربوده و در تصرف خود می‌خواهد،

تا مرد سیاه بشکند، خوار، تنها

مرد سیاه را در حوزه جنسی نیز رقیب، لولوی خود یافته است،

زن سفید را با مرد سیاه بر نمی‌تابد، اما تجاوز به زن سیاه را حق خود

مرد سیاه را به بهانه نگاه چپ کردن به زن سفید لینچ می‌کند

مرد سفید، نا مطمئن است از خود در رابطه با مرد سیاه

بدون مرد سیاه، مرد سفید خودی ندارد

با مرد سیاه، آرامشی ندارد

درد آمریکایی این است

خودش،

تاب نمی آورد دیدن خود را در آینه سیاه

آینه می شکند،

خودش را شکسته می یابد

از خود می گریزد

تا فضاء

با اسپیس اکس

اصرار دارد به این گریز علی رغم طوفان تاخیر

در سایه طوفان خشم ماما

مرد سفید پوست فقط برای دو ساعت توانست آرامش را تظاهر کند

به افتخار اسپیس اکس

مرد سفید نیز قربانی ست، شکسته، زخمی، زیون،

فقط تظاهر می کند،

بزرگ می کند، زیر ابرو بر می دارد

این یک کار را خوب بلد است

خوب هم فکر می کند، چون درد دارد

قانون اساسی نوشته است، قانون مدنی تدوین می کند، جدی به روزمره ترین امور می پردازد، خاکی است، از اشرافی گری

پوچ به دور،

انتزاعی و ماورایی نمی اندیشه، مسأله حل می کند، جسور و شجاع است در همه حوزه های

اما نه در بر خورد با خود

خودش شکننده است،

بر گرده مرد سیاه خود را نشانده است

زانویش را بر گلوی او فشرده است

خفه می‌کندش، بر زمین می‌خورد

باز از نو، سیاهی دیگر به زیر می‌کشد

مرد سفید پوست عین درد است

راه به جایی نمی‌برد، می‌گریزد

از خودش

شاید روزی درمی‌روی او باز شود

من از کجا، درمان درد مرد سفید از کجا

درمان خود نمی‌دانم

عاجزتر از همیشه‌ام، مسأله ندارم، گرفتار درد بی‌دردی

خود را بی‌دردی زده‌ام،

در زیر آوارها قید و بندها، قانون‌ها، احکام، زنجیرها،

بند گسستن قدرت می‌خواهد

من ندارم،

نسخه پیچیدن یقین و جرات می‌خواهد

من ندارم،

تابو و بت شکستن هنر می‌خواهد

من ندارم

تازه آن بت شکن بزرگ، بت بزرگ راه، تابوی بزرگ را شکست

برجا گذاشتش

چرا؟

وین حلّ معاً نه تو دانی و نه من!

این مرد خودش را می‌خواهد

آن آزاده‌ایی که بگوید: دیگران چنان گفته‌اند ولی من چنین می‌گویم!

خدایا بفرستش،

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبِّئْنَا وَغَيْبَةَ وَلِيِّنَا

به حقّ حقّ، او نزدیک است

اما اگر ماما بیاید،

کودکان شناسندش، سوی آغوش دوند؟

ما و او ما می‌شویم،

یا ...

ما و او؟! کو او؟ ما کو؟ او مای ماست، یا ما اوی او؟ شاید هیچ چ چ چ!

کی ما ما بودیم؟ اول او هستیم، و آخر او ما، پس کی او و ما ما؟

مگر جمعه عید محمّدی نیست،

محمّد را عید نیست؟!!

جمعه، جمعیت، جماعت،

يَوْمَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ

به حقّ حقّ، جماعت قیامت است، اما اگر ماما بیاید، ما و او ما شویم

وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ

وحشی لوی ماست،

اوی ما:

أَشْبَهُ شَيْءٍ بِالْجُنُونِ

غوغایی شود، در هم و بر هم، هرج و مرج، ...

کهنه نو، پیر جوان، خواب بیدار، زشت زیبا، مرده زنده،

هذیان می‌گویم، آشفته و پریشان

بہ حقّ حقّ، وحشی لال است: وحشی زبان ن ن، وحشی خواندن ن ن، وحشی نوشتن ن ن، وحشی بیان ن ن

وحشی امّی: ماما، ماما، ماما!

صاد، قاف، نون، طاہا، طا سین، یا سین، حا میم، الف لام میم، الف لام را، طا سین میم، الف لام میم صاد، الف

لام میم را، کاف ها یا عین صاد!

تفسیر ن ن، تاویل ن ن، شرح ن ن، توضیح ن ن، تحلیل ن ن، تجلیل ن ن، ... ن ن، ... ن ن، ... ن ن

شَقِشَقَّةٌ هَدَرَتْ ثُمَّ قَرَّتْ

محمدؐ

جمعہ ۵ جون ۲۰۲۰

مینیاپولیس، ایالت مینہسوتا، آمریکا